

خوانشی نو از آیه ۱۰۶ سوره بقره؛ با تکیه بر قرینه‌های درون‌متنی*

سید جعفر صادقی^۱

چکیده:

مفسران در تفسیر آیه ۱۰۶ سوره بقره - مشهور به آیه نسخ- اختلاف نظر دارند. غالباً از این آیه نسخ احکام شرعی یا نسخ شرایع و یا تغییر قبله مسلمانان برداشت شده است. اما این موارد تنها می‌تواند مستند به عموم آیه باشد و مدلول مستقیم آیه نخواهد بود. با تکیه بر قرینه‌های درون‌متنی (سیاق و آیات هم‌موضوع در سوره‌های دیگر) می‌توان به خوانشی دیگر از این آیه رسید. در این تحقیق، با توجه به غرض اصلی ملحوظ در سیاق این آیه، مفاهیم اصلی همسو با آن به دست می‌آید. با رهگیری آنها در سراسر قرآن، روشن می‌شود که چنین مفاهیمی در دو بافت هم‌مضمون در سوره‌های نساء و جمعه نیز وجود دارد. در نهایت با مقایسه داده‌ها و تحلیل آنها، مدلول مستقیم آیه نسخ دریافت می‌شود که با دیدگاه‌های رایج کاملاً متفاوت است.

کلیدواژه‌ها:

آیه نسخ / یهودیان / اعراب / قرینه / سیاق / قرآن به قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.65158.3628



A New Perusal of Verse 106 of *Sūrat al-Baqara*; with Reliance on Intratextual Evidences

Sayyid Ja'far Sadeqi¹

The commentators differ in the interpretation of the verse 106 of *Sūrat al-Baqara* - known as the abrogation verse. This verse often implies the abrogation of legal rulings or the revocation of Sharī'a laws or the change of Muslims' Qibla. But these cases can only be documented for the generality of the verse and will not be the direct referent of the verse. With reliance on intratextual evidences (context and verses of similar subject in other *sūras*), we can reach another perusal of this verse. In this research, according to the main purpose included in the context of this verse, the main concepts aligned with it are obtained. By tracking them throughout the Qur'an, it becomes clear that such concepts exist in two contexts with the same theme in *Sūrat al-Nisā* and *al-Jum'a*. Finally, by comparing the data and analyzing them, the direct referent of the abrogation verse is obtained, which is completely different from the common views.

Keywords: abrogation verse, Jews, Arabs, evidence, context, Qur'an to Qur'an.

1- Assistant Professor, Farhangian University, West Azerbaijan Province.

بیان مسأله

آیه ۱۰۶ سوره بقره، از آیاتی است که مفسران در تفسیر آن اختلاف نظر دارند. درباره این آیه، در مجموع سه دیدگاه مطرح شده است.

دیدگاه نخست آن را ناظر به نسخ اصطلاحی می‌داند. (بلخی، ۱۴۲۳: ۱/۱۲۹؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱: ۵۰/۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۰۰/۱؛ طوسی، بی تا: ۳۹۲/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۷/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۹۹/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵۳/۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۷۱/۱؛ صالح، ۱۳۶۳: ۲۷۲؛ زید، ۱۳۹۱: ۲۵۳/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۴/۱؛ خویی، ۱۴۳۰: ۲۷۶) مستند این دیدگاه غالباً روایات اسباب نزول است. اما اولاً اسباب نزول ذکر شده ذیل این آیه دارای تشتم است؛ به گونه‌ای که حتی یکی از آنها آیه ۱۰۶ سوره بقره را با آیه ۱۰۱ سوره نحل خلط کرده (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵۳/۱) و دیگری، طرف مقابل پیامبر ﷺ را مشرکان دانسته است (همان؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۹۹/۲) در حالی که در دیگر روایت‌ها، طرف مقابل پیامبر ﷺ، یهودیان هستند. همچنین این دیدگاه توانسته است درباره معاشناسی نسخ و انساء روشنگری کند؛ چندان که گاه نسخ و انساء را مترادف و گاه در برابر هم معنا کرده است.

تردیدی نیست که نسخ در قرآن و سنت واقع شده و از لوازم زندگی اجتماعی و به‌ویژه، حوزه تقنین است. با وجود این، به نظر می‌رسد بیشتر منسوخات ادعاشده یا تباین واقعی با ناسخات ندارند و بسیاری از مصادیق، جزء تخصیص عام و تقیید مطلق و ... است، و یا روایات نقل شده اشکالات جدی دلالی و سندی دارند. (خویی، ۱۴۳۰: ۲۲۷) در موارد فراوانی هم نسخ از گونه مشروط است؛ یعنی در صورت بازگشت شرایط مشابه، آیه منسوخ می‌تواند مورد عمل قرار گیرد و نسخ، ابدی محسوب نمی‌شود. (معرفت، ۱۴۲۹: ۵۰۵/۳) با این حال، محور این مقاله پرداختن به مسأله نسخ نیست، بلکه بررسی مدلول آیه ۱۰۶ سوره بقره است که به نظر می‌رسد استناد به این آیه برای اثبات وجود نسخ، دست‌کم از مدلول مستقیم این آیه بر نمی‌آید؛ زیرا در سیاق آیه ۱۰۶ سوره بقره، هیچ سخنی از احکام نیست و محوریت این سیاق بر مجادله با یهودیان تمرکز دارد، در حالی که نسخ امری مرتبط با احکام است، مگر آنکه به عموم آیه استناد شود که در این صورت، محل مناقشه این مقاله نخواهد بود.

عده‌ای دیگر باور دارند که مقصود این آیه، نسخ شرایع است. (طبرانی، ۲۰۰۸:

۲۲۴/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۵؛ همچنین نک: حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۶۴/۱؛ میرزا



خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴/۱) مستند روایی روشنی برای این دیدگاه نقل نشده و برخی تنها با لفظ قیل ادعا کرده‌اند که سبب نزول آیه، پاسخ به یهود است که منکر نسخ شرایع بودند. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۲۴/۱) برخی نیز معتقدند که این آیه درباره تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است. (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۱۱/۱؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ۱۳۹/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۹۹/۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۶۳۸/۳) مشابه دیدگاه دوم، در این باره نیز با لفظ قیل ادعا شده که سبب نزول آیه، تغییر قبله و پاسخ به یهود است. (طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۲۵/۱)

این دو دیدگاه، نه قرینه روشنی بر مدعای خویش ارائه کرده‌اند، و نه روایاتشان معتبر و مشخص است. به نظر می‌رسد آنان که آیه را بر نسخ شرایع پیشین حمل کرده‌اند، ظاهراً به دلیل ارتباط سیاق با یهود چنین گمانی نموده‌اند.

دیدگاه سوم نیز برداشتی متأثر از قرار گرفتن آیات مربوط به تغییر قبله در مجموع آیات مربوط به منازعه با یهودیان است، در حالی که موضوع مربوط به تغییر قبله از آیه ۱۴۲ سوره بقره آغاز می‌شود و تا آیه ۱۵۲ ادامه می‌یابد. از این رو فاصله با آیات مورد بحث بسیار زیاد است.

با وجود اینکه می‌توان همه این دیدگاه‌ها را مستقلاً پذیرفت، چنان‌که بیان شد، اینکه آنها را مدلول مستقیم آیه ۱۰۶ سوره بقره بدانیم، با مشکل مواجه است؛ زیرا اولاً به نظر می‌رسد بسیاری از مفسران در بررسی مدلول این آیه نتوانسته‌اند از قرینه‌های کلامی درون‌متنی، یعنی سیاق و آیات هم‌موضوع به نیکی بهره‌برند و در استدلال برای اثبات دیدگاه خود، غالباً به روایت‌های سبب نزول اعتماد نموده‌اند و حتی از تشتت و ضعف آنها نیز چشم‌پوشی کرده‌اند. آنچه در سیاق آیه قابل توجه است، منازعه با یهود درباره موضوع رسالت پیامبر اسلام ﷺ و حسادت یهودیان به اعراب مسلمان حجاز است که در ارتباط دادن آن به مدلول آیه توجه لازم صورت نگرفته است. از سوی دیگر، توجه دقیق به سیاق بر اساس درک مقصود محوری و مفاهیم اصلی پیرامون آن از یک سو، و سپس رهگیری این مفاهیم در دیگر سوره‌های قرآن - که می‌توان از آن با نام «تفسیر قرآن به قرآن» نیز نام برد - نه تنها در این باره، بلکه در تفسیر همه آیات قرآن کارساز است. با این حال، بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد میان مضامین سیاق مورد بحث با آیات دیگری که همین مضامین در آنها وجود دارد، پیوند معنایی و تفسیری از سوی مفسران گرانقدر ارائه نشده و از آن غفلت صورت گرفته است. به

عبارت دیگر، مفسران ارجمند بر خلاف تفسیر روشمند درباره بسیاری از آیات قرآن، در این مورد خاص، بیش از هر قرینه دیگری مانند اسباب نزول - که استناد مستقل به آنها می‌تواند انحراف از معنا را در پی داشته باشد-، باید به قرینه‌های کلامی و لفظی درون‌متنی تأکید می‌نمودند و از شواهد برون‌متنی مانند اسباب نزول و روایات دیگر در مرحله بعد و در معاضدت به این دو قرینه استفاده می‌کردند.

نخستین قرینه لفظی درون‌متنی سیاق است که مهم‌ترین قرینه در تفسیر قرآن به‌شمار می‌آید. «سیاق» مصدر فعل «ساق، يسوق» است (طریحی، ۱۳۶۲: ۱۸۸/۵) و در لغت معانی گوناگونی دارد که از جمله آنها، «رشته پیوسته» است. معنای اصطلاحی این واژه از معنای لغوی گرفته شده است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۶۶/۱۰) اصطلاح سیاق در میان بیشتر مفسران، شامل دلیل لفظی متصل به کلام است. به عبارت دیگر، سیاق که نام دیگرش قرینه لفظی پیوسته به سخن است، در اصطلاح عبارت است از درپی‌هم‌بودن معانی و ترتیب منظم آن در سلسله الفاظ قرآن برای رسیدن به موضوع نهایی در بیان معنای مقصود، بدون انقطاع و گسست که در این تعریف، مقصود از درپی‌هم‌بودن معانی، ارتباط معنایی فرعی برای دستیابی به معنای اصلی واردشده در سوره است. (محمود مثنی، ۲۰۰۸: ۱۴) پس از سیاق، مهم‌ترین قرینه در بازشناسی مقاصد آیات قرآن، آیات هم‌موضوع در مواضع دیگر قرآن یا بافت ناپیوسته متنی است که غالباً با اصطلاح تفسیر قرآن به قرآن شناخته می‌شود و ریشه در خود قرآن (نساء: ۸۲) و روایات (سید رضی، بی‌تا: ۶۱، ۱۹۲) دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، در این تحقیق، با درک اهمیت محوری دو قرینه درون‌متنی یادشده، به بازخوانی دلالت آیه ۱۰۶ سوره بقره می‌پردازیم.

پیشینه

نسخ از موضوعاتی است که در طول تاریخ اسلام، آثار پرشماری درباره آن پدید آمده است. چنان‌که طبق برخی برآوردها از صدر اسلام تا دوره متأخر، ۹۳ کتاب درباره ناسخ و منسوخ تألیف گردیده و معاصران نیز ۱۵ اثر وزین در این باره نوشته‌اند. (اقبال، ۱۳۸۵: ۲۸۳-۲۹۶) با این حال، بیشتر این آثار به بحث درباره ناسخ و منسوخ پرداخته و برخی از آنها درباره وقوع نسخ در قرآن استدلال کرده، یا منکر وقوع نسخ شده‌اند. افزون بر این آثار، در میان پژوهش‌های دانشگاهی و حوزوی نیز ۴۳ عنوان با موضوع



نسخ وجود دارد که همین رویکرد را داشته‌اند، و نیز ۵۷ مورد مقاله علمی در این زمینه نگارش و انتشار یافته است. (مولایی نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۵۹)

این آمار علاوه بر مباحث دامنه‌داری است که در تفاسیر قرآنی ذیل برخی آیات، از جمله آیه ۱۰۶ سوره بقره صورت گرفته است که نظر مفسران مذکور در مجموع در چهار دیدگاه در این مقاله ارائه شده است.

عالمانی مانند آیت الله خویی در کتاب *البیان فی علوم القرآن* (۱۴۱۳: ۲۷۷-۳۷۹) و آیت الله معرفت در آثار متعدد خویش، از جمله *التفسیر الاثری الجامع* (۱۴۲۹: ۳، ۴۵-۶۵)، به‌طور مفصل به ناسخ و منسوخ پرداخته و با ارائه نقدهای مؤثر نشان داده‌اند که محدوده و شرایط ناسخ و منسوخ بسیار متفاوت از آن چیزی است که در طول قرن‌های گذشته بیان شده است. اما در آثار آنان همچنان آیه ۱۰۶ سوره بقره مستند نسخ قلمداد شده که از این جهت، ارتباط یا همپوشانی با محتوای این مقاله ندارد.

در این میان چند مقاله به‌صورت اختصاصی به دلالت آیه ۱۰۶ پرداخته‌اند. مقاله نخست با عنوان «نگاهی نو به آیه نسخ»، توسط محمد احسانی فر نگاشته شده است. نتیجه این تحقیق بر آن است که آیات منسوخ از شرایع و کتب پیشین بوده که البته در ضمن، شامل آیات قرآن هم می‌شود.

مقاله دوم با عنوان «بررسی آراء مفسران درباره آیه نسخ» توسط قاسم فائز نگارش یافته است. نتیجه این تحقیق آن است که طبق آیه ۱۰۶ سوره بقره، هم نسخ اصطلاحی واقع شده، و هم انشاء شامل محو برخی آیات از خاطره پیامبر ﷺ و صحابه توسط خداست که در میان اهل سنت نیز این دیدگاه درباره انشاء رایج است.

در این میان، برخی مقالات علمی به مفهوم‌شناسی برخی واژگان مرتبط با آیه مورد بحث این پژوهش پرداخته‌اند. از جمله مقاله «بررسی مفهوم انشاء در قرآن و نقد دیدگاه‌های مفسران» که توسط سید محمد دشتی نگارش شده است. طبق این مقاله، نسخ و انشاء درباره احکام الهی در آیین یهود بوده است.

مقاله دیگر، «واکوی مفهوم انشاء و نقد دیدگاه‌های مفسران» نام دارد که مرضیه فضلی‌نژاد و همکاران وی آن را نوشته‌اند. بر اساس این پژوهش، موضوع آیه نسخ، تغییر قبله بوده است.

آخرین مقاله که با موضوع آیه نسخ منتشر شده، «بازاندیشی در تفسیر آیه نسخ: نسخ آیات اقناعی و علل آن» نام دارد که نرجس موسوی اندرزی آن را نوشته است. چنان‌که

از عنوان مقاله برمی‌آید، نظر محقق یادشده آن است که مقصود از آیات منسوخ، آیات اقصای یا ویژه‌ای است که در امت‌های گذشته ظهور یافته بود.

با وجود آثار پژوهشی فراوان در زمینه نسخ، هیچ کدام از آنها نتوانسته است با تکیه بر سیاق و با روش قرآن به قرآن (به‌ویژه آیات هم‌مضمون در سوره‌هایی مشخص)، به نتیجه‌ای که در این پژوهش حاصل آمده، دست یابد. از این رو پژوهش حاضر هم از جنبه روش و هم از لحاظ نتیجه، دارای نوآوری است.

۱. غرض محوری و مفاهیم اصلی آیات هم‌بافت در سوره بقره

آیه ۱۰۶ در بافتی قرار گرفته است که از آیه ۴۰ تا ۱۴۱ را می‌توان در قالب یک قطعه -هرچند طولانی- با موضوع کلی، موضع‌گیری در برابر یهودیان حجاز و پاسخ به ادعاها و سخنان آنان دانست که این بافت کلی، خود به موضوعات جزئی‌تر قابل تفکیک‌اند. در این میان، آنچه می‌تواند «غرض محوری» این بافت کلی و اتصال‌دهنده مسائل جزئی مطرح شده در آن باشد، «تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ از سوی یهودیان» است که از جمله در آیات ۴۱، ۴۲، ۷۵، ۷۹، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۹ و ۱۱۸، بارها به این محور کلی اشاره شده است.

سیاق این آیات بر محور تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ از سوی یهودیان مدینه، به ذکر موارد قابل توجهی از بدعهدی‌ها و جنایات بنی‌اسرائیل در دوران گذشته پرداخته و با این تذکرات، کفر و ناسپاسی قوم یهود را متذکر شده و از آنان می‌خواهد به عهد خویش که تصدیق انبیای الهی بود، بازگردند که مصداق فعلی نبوت پیامبر اسلام ﷺ است.

از این سیاق چنین به دست می‌آید که یهودیان از روی بغی و حسد، آرزو می‌کردند که نبوت بر یکی از عرب‌ها -که از بنی‌اسرائیل نبود- نازل نمی‌شد، از این رو ضمن تمایل به ارتداد مسلمانان و پیروی آنها از یهود، به تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ پرداخته، آیات تورات را که مؤید نبوت او بود، کتمان و انکار می‌کردند و نوشته‌هایی را از نزد خود در تکذیب پیامبر اسلام ﷺ مهیا کرده و آن را به خدا نسبت می‌دادند. در حالی که پیش‌تر، در مواجهه با پرسش مشرکان، پیامبری او را تأیید کرده بودند. قرآن در برابر این کردار یهودیان، نیت و قصد آنان را که حسادت و بغی بود، برملا می‌کند و با اشاره به گذشته تاریک قوم بنی‌اسرائیل در عهدشکنی و تمرد از دستورات الهی، و نیز



نژادپرستی، دنیاطلبی و میل آنان به عمر طولانی؛ باوجود ادعای اینکه قوم برگزیده خدا هستند، تأکید می‌کند که این قوم، در گذشته نیز هر پیامبری را که همسو و در خدمت مطامع آنان نبود، تکذیب کرده و به قتل می‌رساندند. در حالی که نبوت، ملک، فضل و رحمت خداوند و خیری است که در ید قدرت مطلق خداست و او آن را به هر کس که خود بخواهد، اختصاص می‌دهد و اکنون نیز همان گونه که ابراهیم علیه السلام از خداوند خواسته بود، به یکی از مردمان عرب اختصاص داده است و خداوند بر هر کاری تواناست و ملک آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ نبوت را به هر کسی که اراده کند، عطا خواهد کرد. مفاهیم اصلی همنشین در سیاق را -که مفاهیم فوق را بیان می‌کنند- همراه با نمونه‌ای از آیات مرتبط ذکر می‌کنیم.

۱- نبوت و رسالت، به‌ویژه در آیه «بِسْمَا اسْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» (بقره: ۹۰).

۲- بعثت الهی و قدرت مطلق خدا در بعثت انبیا، به‌ویژه در آیه «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا...» (بقره: ۱۲۹).

۳- حسادت نژادپرستانه علیه عرب که از بنی اسرائیل نبودند و نیز نبوت فردی از آنان، به‌ویژه در آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ...» (بقره: ۱۰۹).

۴- نقض عهد با خدا با تکذیب و قتل انبیای پیشین و کفر و کتمان و تغییر معانی آیات تورات درباره حقانیت نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، به‌ویژه در آیه «وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۰۱).

۵- منشأ الهی نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و نزول قرآن بر او از طریق فرشته وحی، به‌ویژه در آیه «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ...» (بقره: ۹۷).

۶- حرص یهود به زندگی دنیا و اطمینان از نجات اخروی با تزکیه خویش، به‌ویژه در آیه «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أُشْرِكُوا...» (بقره: ۹۶).

۲. رهگیری مفاهیم اصلی سیاق در سوره‌های نساء و جمعه

با رهگیری الفاظ و عبارات سوره بقره در قرآن، می‌توان دریافت که این مفاهیم با همان الفاظ و عبارات یا شبیه آنها، در سوره‌های نساء و جمعه نیز «در سیاق»، یعنی «بافت یکپارچه و به هم پیوسته معنایی» وجود دارد. این بافت پیوسته در سوره نساء از آیه ۴۹ تا ۵۸، و در سوره جمعه از آیه ۱ تا ۸ را دربر می‌گیرد که مقصود محوری در هر دو بافت، همانند آیات ۴۰ تا ۱۴۰ سوره بقره، «تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ از سوی یهودیان، به‌خاطر حسادت به عرب از نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام» است. با بررسی مفاهیم اصلی دو سوره مذکور در مقایسه با مفاهیم اصلی در سوره بقره، روشن می‌شود که مفاد هر سه بافت در هر سه سوره بقره، نساء و جمعه مانند هم هستند. ابتدا متن آیات دو سوره در سیاق مورد نظر را می‌آوریم.

«أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُرَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يَظْلُمُونَ فَيْلًا* انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا* أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحِجَابِ وَالطُّعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا* أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا* أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا* أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ ءَاتَيْنَا ءَالَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ ءَاتَيْنَاهُمْ مُلْكَا عَظِيمًا* فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» (نساء: ۴۹-۵۵).

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَ يُرَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِن قَبْلَ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ* وَ ءَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ* مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ* قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ ءَوْلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا أَلْمَوتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* وَ لَا يَتَمَتُّونَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (جمعه: ۲-۷).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مفاهیم اصلی سیاق مورد نظر در سوره بقره در این دو بافت نیز به شرح زیر به‌روشنی بیان شده است.

۳. مقایسه داده‌ها و بررسی مفاهیم مشترک در سه سوره

الف) مقایسه مفاهیم سه بافت سوره‌های بقره، نساء و جمعه، نتایج آماری زیر را به‌دست می‌دهد که روشن می‌کند این سه بافت در مفاهیم اصلی کاملاً هم‌مضمون هستند.



ردیف	مفاهیم اصلی	الفاظ و عبارات دال بر مفاهیم اصلی		
		سوره	بقره	نساء
۱	نبوت و رسالت	تعداد الفاظ و عبارات	۳	۳
		شماره آیات	۹۰-۱۰۵-۱۲۹	۵۳ و ۵۴*
۲	بعثت الهی و قدرت مطلق خدا در بعثت انبیا	تعداد الفاظ و عبارات	۵	۲
		شماره آیات	۹۰-۱۰۵-۱۰۶-۱۲۹-۱۰۷	۵۴*
۳	حسادت نژادپرستانه علیه عرب که از بنی اسرائیل نبودند و نیز نبوت فردی از آنان	تعداد الفاظ و عبارات	۶	۳
		شماره آیات	۹۰-۱۰۵-۱۰۹-۱۱۸-۱۲۹	۵۱، ۵۳ و ۵۴*
۴	نقض عهد با خدا با تکذیب و قتل انبیای پیشین و کفر و کتمان و تغییر معانی تورات در حقانیت نبوت پیامبر اسلام ﷺ	تعداد الفاظ و عبارات	۹	۳
		شماره آیات	۴۲-۶۱-۷۵-۷۹-۸۷-۸۹-۹۱-۱۰۰-۱۰۱	۵۵، ۵۰ و ۵۸*
۵	منشأ الهی نبوت پیامبر اسلام ﷺ و نزول قرآن بر او از طریق فرشته وحی	تعداد الفاظ و عبارات	۳	۱
		شماره آیات	۹۷-۹۹-۱۱۹	۵۴
۶	حرص یهود به زندگی دنیا و اطمینان از نجات اخروی	تعداد الفاظ و عبارات	۳	۱
		شماره آیات	۸۰-۹۴-۹۶	۴۹

* در موارد ستاره دار، در یک آیه بیش از دو لفظ یا عبارت دال بر مفاهیم اصلی آمده است.
 ب) درباره انگیزه یهودیان در تکذیب پیامبر اسلام ﷺ، در سوره بقره، در یک مورد واژه «حسد» و در یک مورد نیز واژه «بغی» به کار رفته است. اصل ریشه «بغی» دو معنا دارد: خواستن چیزی، جنسی از فساد. بر اساس دومین معنای ریشه، «بغی» را «ظلم» معنا کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۲۷۱) با توجه به اینکه در آیه‌ای دیگر، حسد،

انگیزه یهودیان ذکر شده، می‌توان دریافت که یکی از وجوه معنایی «بغی» که درباره یهود به‌کار رفته، حسد است که برخی مفسران به آن تصریح کرده‌اند. (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۰۷: ۱۷۳/۱) مقاتل ذیل آیه نوشته است: «بَغِيًّا يَعْنِي حَسَدًا لِمُحَمَّدٍ إِذْ كَانَ مِنَ الْعَرَبِ.» (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۲۲/۱) از این رو از مجموع آیات برمی‌آید که انگیزه اصلی یهودیان از تکذیب پیامبر اسلام ﷺ، حسادت به عرب بودن او بوده است. ثعلبی هم ذیل عبارت «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ» (نساء: ۵۴) به نقل از قتاده نوشته است: «یعنی یهود بر مردمان عرب به‌خاطر نبوت و اینکه خداوند آنان را با محمد کرامت بخشیده، حسادت می‌ورزیدند.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۲۹/۳)

ج) در برخی آیات از واژه «الناس» درباره کسانی که مورد حسادت یهود واقع شدند، استفاده شده است؛ مانند «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نساء: ۵۴). بیشتر مفسران تردیدی ندارند که مقصود از «الناس»، قوم عرب یا شخص پیامبر اسلام ﷺ است که از نژاد عرب بود و دلیل حسادت یهودیان بر آنان نیز نبوت پیامبر اسلام ﷺ است. (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۰۷: ۹۸۷/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۹۷/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۵/۳؛ میدی، ۱۳۷۱: ۵۴۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۶/۴) در سوره بقره، خطاب آیات هم‌مضمون به مؤمنان است و با ضمیر «کم» از حسادت یهود به آنان گفته است. (بقره: ۱۰۵، ۱۰۹) در دعای ابراهیم عليه السلام با ضمیر «هم» به قوم پیامبر عليه السلام اشاره شده است. (بقره: ۱۲۹) در سوره جمعه، عبارت «بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رُسُلًا مِنْهُمْ» (جمعه: ۲) آمده که در تفاسیر گوناگون تأکید شده که مقصود از مردم امی، قوم عرب است. (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۲۵/۴؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۲۳۳/۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۷۲/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۲۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۴۶/۳)

د) وجه معنایی واژه‌هایی چون فضل نیز در این بافت، «نبوت» است. چنان‌که برخی مفسران نیز به آن اشاره کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۸۷/۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۵۱/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۵۱/۵) در ادامه آیه نیز سخن از اعطای کتاب و حکمت و ملک عظیم به آل ابراهیم عليه السلام است که این نیز مؤید همین برداشت است و مشخص می‌کند سخن برخی که «فضل» را به فزونی همسران پیامبر عليه السلام تلقی کرده‌اند، (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۱۱۴) نادرست است.

ه) در هر سه سوره بر این موضوع تأکید شده که نبوت، فضل و رحمت الهی است و فقط خداوند صلاحیت دارد که به هر کس که بخواهد، آن را اختصاص دهد. این



تأکید، پس از بیان حسادت یهودیان به نبوت پیامبری در میان عرب و از نژاد آنان ذکر شده است. شماری از مفسران نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند. (طوسی، بی تا: ۵/۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۵/۱۹)

و) یکی از موارد پرتکرار در قرآن درباره قوم یهود، به‌ویژه در سیاق مورد بحث در سوره بقره، مسأله تکذیب پیامبر اسلام ﷺ و نقض پیمان و نیز کفر و عناد یهود است (بقره: ۴۲، ۶۱، ۷۵، ۷۹، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۱۰۰ و ۱۰۱). در سوره نساء هم در همان بافت موضوعی در سه مورد (نساء: ۵۰، ۵۵ و ۵۸) به این مطلب اشاره شده است. آیه ۵۸ سوره نساء درباره برگرداندن امانات به اهلشان و حکم به عدل در میان مردم است که بسیاری از مفسران گمان کرده‌اند این آیه با آیات قبل در یک سیاق نیست و سبب نزولی هم در رابطه با نزول آیه درباره لزوم بازگرداندن کلیدهای کعبه به عثمان بن طلحه قرشی مطرح کرده‌اند. (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۸۱/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۱۱/۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۵۳/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۳۲/۳) اما برخی از مفسران به درستی وحدت سیاق را درک کرده‌اند که مانند آیات پیشین درباره یهود است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۸/۴) بر این اساس، امر به بازگرداندن امانات به اهل خود، اشاره به نبوت پیامبر اسلام ﷺ دارد که یهود باید نسبت به آن بر اساس آیات تورات روشنگری می‌کردند و از کتمان آن نیز پرهیز می‌نمودند. در سوره جمعه نیز همین مضمون با عباراتی دیگر بیان شده و یهود به دلیل تکذیب آیات روشنگر تورات درباره نبوت، به چهارپایانی تشبیه شده که فقط کتاب را به‌ظاهر حمل می‌کنند، ولی از تعلیم و تبیین آن برای مردم ابا کرده و آیات را تکذیب می‌نمایند. (همان، ۲۶۶/۱۹)

گویی که مقصود از تکذیب، دروغ شمردن برخی فرازهای تورات بود که یهودیان حجاز پیش‌تر آن را بر پیامبر اسلام ﷺ تطبیق داده و بر این اساس، او را تصدیق کرده بودند. مانند این آیه که به گفته برخی محققان (داوود، ۱۳۶۱)، یعقوب رضی الله عنه خطاب به فرزندان او در آخرین وصیت خود بیان و پیش‌گویی کرده بود که نبوت تا زمان ظهور شیلوله در نسل اسحاق رضی الله عنه خواهد بود و پس از آن، از نسل او برجیده شده و به دیگری منتقل خواهد شد: «عصای نبوت» از یهودا دور نخواهد شد و نه قانونگذاری [کتاب] از میان پاهای او، تا شیلولو بیاید و فرمان‌برداری امت‌ها از آن او خواهد بود. (کتاب پیدایش: ۱۰/۴۵) چنان‌که در سوره بقره، در میان سیاق مورد بحث، در ادامه مجادلات با قوم یهود، اشاره به وصیت یعقوب رضی الله عنه هنگام مرگ به فرزندان او (بقره: ۱۳۲ و ۱۳۳)،

در ادامه آیات مشتمل بر دعای ابراهیم علیه السلام برای برانگیختن پیامبری از قوم عرب از نسل فرزندش اسماعیل علیه السلام (بقره: ۱۲۷-۱۲۹) ذکر شده و در آن بر نام اسماعیل علیه السلام در کنار نام اسحاق علیه السلام اشاره، سپس در آیه‌ای دیگر هشدار داده می‌شود که یهود و نصارا تنها زمانی «هدایت می‌یابند» که به مثل چیزی ایمان بیاورند که مؤمنان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده‌اند. (بقره: ۱۳۷)

تأمل در آیات پیشین نشان می‌دهد که مقصود این آیه، ایمان آوردن به همه انبیا بدون تبعیض است؛ زیرا در آیه پیشین به این موضوع تأکید می‌شود: «قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶)

بنابراین روشن می‌شود که آنچه در آیات متعدد قرآن بر آن پافشاری می‌شود، نهی یهودیان از تکذیب عهدی است که یعقوب با فرزندانش هنگام مرگ داشته که از مضامین آنها، انتقال نبوت از نسل یهودا به نسل دیگری دریافت می‌شود و در تورات به آن تصریح شده و قرآن نیز با به‌کار بردن واژه «عهد»، از یهودیان خواسته که به آن پایبند بوده و آن را پشت سر خود نیندازند. (برای نمونه نک: بقره: ۱۰۱)

ز) علاوه بر موارد ذکرشده و تصریح به عهدشکنی یهود در برابر انبیا در این آیات، برخی ویژگی‌های این قوم در هر سه سوره کمابیش با عبارات و مضامینی مشابه بیان شده است. در آیات سوره بقره و جمعه با مضامین مشابه، به‌صراحت به حرص یهود به زندگی ابدی در دنیا به‌عنوان یکی از خصلت‌های آنان پرداخته شده که بر خلاف ادعای ایشان بر اینکه ولی خدا هستند و خود را تافته جداافتاده می‌دانند، از مرگ - که پل رساندن آنان به خداوند است - فرار می‌کنند (بقره: ۸۰، ۹۴ و ۹۶؛ جمعه: ۶ و ۷). همین معانی در قالب عبارتی موجز اما گویا، در سوره نساء نیز بیان شده و گفته شده که آنان خود را تزکیه می‌کنند (نساء: ۴۹) که بسیاری از مفسران تصریح کرده‌اند مقصود از کسانی که خود را تزکیه می‌کنند، یهود هستند. (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۷۸/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۸۰/۵؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۹۷۲/۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۲۵/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۹۱/۵)

۴. بیان دیدگاه برگزیده

از آنچه تاکنون بیان شد، برآمد که سیاق آیات ۴۰ تا ۱۴۱ سوره بقره بر محور تکذیب نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از سوی یهودیان مدینه و مجادلات قرآن با آنان شکل



گرفته و در این بافت یکپارچه، به تفصیل تأکید شده است که نبوت، فضلی از سوی خداست که به هر کس که بخواهد، عطا می‌کند، در حالی که یهودیان به جای تصدیق نبوت پیامبر اسلام ﷺ، عهدی را که در این باره بر دوش آنان بوده، نقض کرده‌اند و به قوم عرب به این خاطر که پیامبر اسلام ﷺ از آنان است و از نژاد یهود نیست، حسادت می‌ورزند. از این رو در این بافت، نه سخن از نسخ کلی یا جزئی احکام است، و نه از نسخ شرایع سخن گفته شده، و نه موضوع فراموشی قرآن توسط پیامبر ﷺ مطرح است. موضوع تغییر قبله نیز پس از این آیات قرار دارد و از آیه ۱۴۲ سوره بقره مباحث مربوط به آن آغاز می‌شود.

اما آیه ۱۰۶ سوره بقره یعنی آیه نسخ، دقیقاً در میانه مباحث مربوط به حسادت یهود به نبوت پیامبر اسلام ﷺ و بلافاصله پس از آیه‌ای آمده که در آن، از قوم یهود و نیز مشرکان سخن به میان آمده که آرزو داشتند قرآن بر پیامبر ﷺ نازل نشود و تأکید می‌شود که خداوند هر که را خواهد، به رحمت خود اختصاص می‌دهد: «مَا يَوْدُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (بقره: ۱۰۵). پیش‌تر نیز به تفصیل بیان شد که مقصود از خیر و فضل، نبوت است و یهودیان از اینکه این خیر و فضل به عرب که از نژاد یهود نیستند رسیده بود، حسادت می‌ورزیدند.

یکی از موارد دیگر در بررسی‌های انجام‌شده، تأکید بر این نکته بود که اختیار اختصاص این فضل از آن خداست و خدا به هر کس که خود بخواهد (من یشاء)، آن را ارزانی می‌دارد. همین معنا در ادامه آیه نسخ و آیه پس از آن هم مورد تأکید قرار گرفته است: «... أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۶-۱۰۷).

بر همین اساس، تردیدی باقی نمی‌ماند که فراز نخست آیه ۱۰۶ نیز با مقصود محوری سیاق و مفاهیم اصلی آن پیوند وثیق داشته باشد.

به نظر نگارنده، تمامی شواهدی که ذکر شد، گواه بر آن است که مقصود از نسخ آیه یا انشاء آن در آیه ۱۰۶ سوره بقره، چیزی جز «انتقال نبوت از یهود (که از نسل اسحاق عليه السلام و یهودا بودند) به عرب از تبار اسماعیل عليه السلام، یعنی پیامبر اسلام ﷺ» نیست؛ یعنی پس از مجادلات طولانی با یهود و ذکر سابقه نیاکان آنها در عهدشکنی و تکذیب و قتل انبیای الهی و نیز یادکرد از حرص و دنیاطلبی آنان، به این نکته اشاره

می‌کند که آنان به قوم عرب به خاطر برخوردار شدن از کتاب آسمانی و پیامبر الهی حسادت می‌ورزند، در حالی که نبوت فضل الهی و آیتی است که اگر خدا بخواهد، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند؛ چون او بر هر کاری تواناست و ملک آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ اَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا اَوْ مِثْلَهَا اَلَمْ تَعْلَمِ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

۵. معناشناسی واژگان اصلی بر اساس دیدگاه برگزیده

بر این اساس، می‌توان سه واژه اصلی در آیه نسخ را به شرح زیر بررسی نمود:

۱-۵. نسخ

ریشه «نسخ» در لغت در این معانی آمده است: نسخه‌برداری و رونویسی از نوشته، باطل کردن چیزی و جایگزین نمودن چیزی دیگر برای آن، انتقال چیزی از جایی به جای دیگر و زایل شدن چیزی که قبلاً به آن عمل می‌شد. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶۱/۳) این ریشه در قرآن چهار مرتبه به کار رفته است. دو مورد (جائیه: ۲۹ و اعراف: ۱۵۴) در معنای نسخه‌برداری و رونویسی و نسخه نوشته شده است، مورد سوم (حج: ۵۲) درباره از میان بردن القائنات شیاطین در وحی توسط خداوند است، و مورد چهارم نیز آیه مورد بحث است. مفسران با نگاه به همین معنای لغوی، در تفسیر آیه ۱۰۶ سوره بقره، نسخ را به معنای تبدیل، تغییر و تحویل گرفته‌اند (ابن حزم، ۱۴۰۶: ۶) که در هر چهار دیدگاه ارائه‌شده، همین معنا افاده مقصود کرده است. به نظر نگارنده، از میان معانی چندگانه واژه مورد بحث، با توجه به آنچه آمد، معنای نسخ در این آیه، «انتقال چیزی از جایی به جای دیگر» است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۶۱/۳) یکی از معانی نسخ، در اصطلاح نیز «برداشتن صورتی است از محل اول خود و قرار دادن در جای مناسب دیگر یا گذاردن صورت دیگری به جای آن، و به همین مناسبت، جابه‌جا شدن ارواح را تناسخ و رونویسی نوشته را استنساخ گویند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۶۱/۱)

۲-۵. انساء

یکی از موارد بحث‌برانگیز آیه مورد بحث، فعل «نَسِيَ» است که از ریشه «نَسَأَ» به معنای تأخیر (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۰۵/۷) یا از ریشه «نَسِيَ» است که در دو معنای ضد ذکر و حفظ (فراوشی) و ترک کردن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳۲۲/۱۵)



در دیدگاه برگزیده، فعل «نَس» از ریشه «نسی» در باب افعال، به معنای «به فراموشی سپردن» مناسب‌تر می‌نماید؛ چنان‌که در مفردات راغب نیز همین گونه آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۳)

۳-۵. آیه

مهم‌ترین واژه‌ای که در آیه ۱۰۶ سوره بقره در معناشناسی این آیه نقش دارد، مدلول واژه «آیه» است. به عبارت دیگر، در این آیه سخن از نسخ و انشاء «آیه» و جایگزینی «آیه» بهتر یا دست‌کم مثل آن است. واژه «آیه» در لغت به معنای علامت و نشانه است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵۶/۱۴) همچنین آن را به معنای «شخص»، «عبرت» و «اماره» نیز دانسته‌اند. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۷۹/۱۹) واژه «آیه» در اصطلاح به چند معنا به کار رفته است که بیشتر مستند قرآنی یا روایی دارد؛ از جمله معجزه (اعراف: ۷۲)، عبرت (آل عمران: ۱۳)، دلیل (روم: ۲۲)، اشیاء مرتفع (شعراء: ۱۲۸)، فرازهای کتاب‌های آسمانی پیشین همانند تورات (آل عمران: ۱۱۳) و غالباً فرازهای قرآن (بقره: ۲۵۲). این معانی گوناگون در واقع همه به یک قدر مشترک باز می‌گردد و آن، مفهوم «نشانه» است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۳/۱)

از آنجا که لفظ «آیه» از واژه‌های ذوجوه است که معانی مختلفی برای آن در قرآن به کار رفته که این معانی، بنا به کاربرد واژه مذکور در سیاق به دست می‌آید، به نظر نگارنده، در آیه ۱۰۶ سوره بقره، کلمه «آیه» به معنای «نبوت» است؛ چنان‌که در قرآن از اشخاصی که ردای نبوت بر تن داشته‌اند و برای راهنمایی و هدایت دیگران، وجود خودشان آیه، یعنی نشانه نامیده شده است، «آیه» نامیده شده‌اند؛ مثل حضرت مریم عَلَيْهَا و فرزندش عیسی عَلَيْهِ؛ چون تولد شگفت‌انگیز و فراطبیعی عیسی عَلَيْهِ، نشانه‌ای الهی بود؛ «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً» (مؤمنون: ۵۰). یا می‌توان زنده شدن شخصی پس از مرگ صدساله را ذکر نمود که موجب گردید قرآن او را «آیه» بنامد: «وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ» (بقره: ۲۵۹). همچنین قرآن جسد فرعون را پس از غرق شدن، به این سبب که نشانه‌ای از خداوند است، «آیه» نامیده است: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً...» (یونس: ۹۲). وجه مشترک همه این آیات این است که موجب یادآوری خداوند و هدایت به سوی او هستند.

گاه در روایات نیز، از نبی یا امام هم با لفظ آیه یاد شده است. جالب آنکه در روایتی آمده است که امام صادق عَلَيْهِ در تفسیر آیه مورد بحث، نسخ آیه را به مرگ امام

و جانشینی امام بعدی تفسیر کرد: «قَالَ: «مَا نُنَسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِثْلَهَا» يَقُولُ: مَا نُمِيتُ مِنْ إِمَامٍ أَوْ نُسِهِ ذِكْرَهُ - نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهُ مِنْ صَلْبِهِ مِثْلَهُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۵۶۱) که می‌توان این تعبیر را توسعه معنایی آیه و تعمیم نبی به امام و نبوت به امامت در آن ملحوظ دانست که چنین تفسیری از آیه، از مصادیق جری و تطبیق به‌شمار می‌آید.

همچنین در روایات از «نسخ نبوت» سخن به میان آمده که مؤید آن است که می‌توان نسخ آیه در قرآن را همان نسخ نبوت دانست. یکی از نقل‌ها چنین است: «ما من نبوة إلا وتسخها فترة». (ابن حزم، ۱۴۰۶: ۶) در متنی دیگر، همین مضمون با اندکی تفاوت چنین آمده است: «مَا مِنْ نَبْوَةٍ إِلَّا وَتَنَاسَخَتْهَا فِتْرَةٌ». (حازمی، ۱۳۵۹: ۶) بدین ترتیب از پایان دوره نبوت نیز با لفظ نسخ یاد شده که با درک مفهوم آیه، قرابت معنایی دارد و چنین می‌نماید که به‌جز وجوه فوق، کلمه آیه در معنای نبوت، امامت، نبی و امام نیز می‌تواند به‌کار رود.

از جنبه‌ای دیگر، نبوت و رسالت به اعتبار اینکه محمل دریافت آیات الهی است، می‌تواند از وجوه معنایی لفظ «آیه» در نظر گرفته شود؛ همان گونه که کتاب آسمانی، چون محمل حکم الهی است، می‌تواند آیه نامیده شود. از این رو آیه نبوت، رسالت، نبی و رسول نیز محمل و مجرای دریافت و ابلاغ آیات الهی است و به این اعتبار، نبوت و رسالت در آیه مورد بحث، مفهوم مشخص و مصداق کلمه «آیه» خواهد بود.

از سوی دیگر، چون سخن از نسخ و انشاء آیه است، کاملاً با الفاظ و عبارات آیه مطابقت خواهد داشت که آیه را نشانه نبوت در نظر بگیریم که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. بر این اساس، معنای آیه مورد بحث چنین خواهد بود: «اگر ما نشانه نبوت را از نسلی برداریم یا به فراموشی بسپاریم، آن را به نسلی بهتر یا مانند آن منتقل می‌کنیم». مفهوم نهایی آیه نیز با در نظر گرفتن تمامی معانی برآمده از سیاق و آیات هم‌موضوع در سوره‌های نساء و جمعه، این گونه خواهد بود: «اکنون که نشانه نبوت را در نسل اسحاق و یهودا، یعنی یهودیان به فراموشی سپردیم و آن را به نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی عرب منتقل کردیم، بدانید که ما هر نشانه‌ای را از جایی به جای دیگر انتقال دهیم یا آن را در جایی به فراموشی بسپاریم، جایگاه جدید آن بهتر یا دست‌کم همانند جایگاه پیشین خواهد بود و این گونه امور، یعنی تشخیص اینکه رسالت الهی در چه جایگاهی شایسته‌تر است، در حیطة اراده الهی است؛ زیرا او بر هر کاری توانا و مالک آسمان‌ها و



زمین است.» شاید بتوان گفت چکیده این مفهوم در عبارتی موجز در قرآن چنین ذکر شده است: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام: ۱۲۴).

نتیجه گیری

آیه ۱۰۶ سوره بقره به آیه نسخ مشهور است که مفسران بدون توجه دقیق به سیاق و آیات هم‌موضوع در سوره‌های دیگر قرآن، آن را به نسخ اصطلاحی، نسخ ادیان یا تغییر قبله مرتبط دانسته‌اند. در حالی که این مفاهیم، تنها در صورت استناد به عموم آیه مورد بحث، می‌تواند با این آیه مرتبط باشد که به هر حال، هیچ یک از آنها مدلول مستقیم آیه نخواهند بود.

آنچه در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته، تکیه بر دو قرینه درون‌متنی یعنی سیاق، و آیات هم‌موضوع است. با بررسی کلی آیات روشن می‌شود که سیاقی که آیه ۱۰۶ در آن قرار گرفته، شامل آیات ۴۰ تا ۱۴۱ سوره بقره است که غرض کلی آن، «تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ از سوی یهودیان» است. بر این اساس، مفاهیم اصلی سیاق را می‌توان چنین تبیین نمود که یهودیان، از اینکه قوم عرب نیز صاحب کتاب و نبوت شده بودند، به ایشان حسادت می‌ورزیدند و با وجود اشاراتی در تورات مبنی بر انتقال نبوت از نسل اسحاق عليه السلام و یهودا به نسلی غیر اسرائیلی، به تکذیب نبوت پیامبر اسلام ﷺ می‌پرداختند. در حالی که نبوت، فضل، رحمت و خیری است که خداوند به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد و خواست خدا بوده که آن را از بنی اسرائیل به پیامبری از نسل اسماعیل عليه السلام واگذارد. رهگیری این مفاهیم و واژگان هم‌نشین در دیگر سوره‌های قرآن نشان می‌دهد که این مفاهیم در بافتی مشابه در دو سوره جمعه و نساء نیز ذکر شده است.

از این رو با توجه به قرینه‌های یادشده و با دقت در معناشناسی واژگان اصلی آیه نسخ روشن می‌شود که نسخ می‌تواند به معنای انتقال چیزی از جایی به جای دیگر و انشاء نیز به معنای ترک کردن و به فراموشی سپردن باشد. همچنین مقصود از واژه آیه، نشانه نبوت است و به این ترتیب، مفهوم آیه با توجه به قرار گرفتن آن در سیاقی که ذکر شده، چنین است که اگر خدا نشانه نبوت را در نسل و تباری ترک نماید، آن را به نسل و تباری بهتر یا دست‌کم مانند آن منتقل می‌کند؛ چون این، در ید اختیار مطلق اوست؛ همچنان‌که خواست او این بوده که نبوت را در بنی اسرائیل به فراموشی سپارد و آن را به قوم عرب اختصاص دهد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۴. ابن حزم اندلسی، علی بن أحمد (۱۴۰۶ق)، الناسخ و المنسوخ، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتبه الإعلام الإسلامی.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق)، تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۸. ابوعلیه، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، مجاز القرآن، قاهرة: مکتبه الخانجی.
۹. اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفورین طاهر (۱۳۷۵)، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۱. بنیامین، داوود (۱۳۶۱)، محمد ﷺ در تورات و انجیل، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران: نشر نو.
۱۲. تورات معروف لنینگراد ۱۰۰۸ میلادی.
۱۳. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. حازمی، محمد بن موسی همدانی (۱۳۵۹ق)، الاعتبار فی النسخ و المنسوخ، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة.
۱۵. حائری تهرانی، میر سید علی (۱۳۷۷)، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۷. رازی ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۸. رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة.
۲۰. زبیدی، سید مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۲. زید، مصطفی (۱۳۹۱ق)، النسخ فی القرآن الکریم: دراسة تشریعیة تاریخیة نقدیة، بیروت: بی نا.
۲۳. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، بحر العلوم، بیروت: دارالفکر.
۲۴. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰)، تفسیر سور آبادی، تهران: فرهنگ نشر نو.
۲۵. سید رضی، محمد بن حسین (بی تا)، نهج البلاغه، قم: انتشارات دار الهجره.
۲۶. صالح، صبحی (۱۳۶۳)، مباحث فی علوم القرآن، قم: بی نا.

۲۷. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، تفسیر القرآن العزیز، بیروت: دار المعرفة.
۲۸. طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۹. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن: دار الکتب الثقافی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: دارالهجرة.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۸. کتاب مقدس، سفر پیدایش، انتشارات ایلام.
۳۹. محمود مثنی، عبدالفتاح (۲۰۰۸)، نظریة السیاق القرآنی، بی جا: دار وائل لنشر.
۴۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۹ق)، التفسیر الاثری الجامع، قم: التمهید.
۴۱. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. مولایی نیا، عزت الله و همکاران (۱۳۹۷)، «سیر نگارش های ناسخ و منسوخ»، معارف قرآن و عترت، شماره ۷، صص ۱۱۷-۱۵۹.
۴۴. میبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدة الأیثار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۵. میرزا خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی